

مترجم آثار موراگامی مطرح کرد:

# تفکر خودخاص پندار و خاص‌پسند گرفتاری اصلی نویسندگان و فیلمسازان ایرانی است

فرزین فرزام می‌گوید دلیل اقبال جهانی از موراگامی این است که او می‌تواند زندگی عادی و روزمره را ناگهان شگفت‌انگیز و باورنکردنی جلوه دهد. موراگامی برای مخاطب خاص نمی‌نویسد.



معضل شخصی‌اش کشف می‌شوند و ما فرصت پیدا می‌کنیم ضمن حل معما به درک عمیق‌تری از احساسات پشت ماجرا دست پیدا کنیم.

**به نظر تان علت اقبال جهانی از کتاب‌های موراگامی چیست؟**

بسه خاطر ترکیب جذاب ماجراهای باورنکردنی درهم تنیده با تم‌های آشناست. شخصیت‌های اصلی داستان‌های نویسنده علی‌رغم اینکه کمی غیرعادی هستند اما به نحوی پرداخت شده‌اند که بلافاصله همدردی و کنجکاوی خواننده را جلب می‌کنند و این اولین قدم هر نویسنده به سوی موفقیت است. وقتی خواننده به شخصیت اصلی علاقه پیدا کند، نصف مسیر طی شده است.

توانسته این موضوع فرار و دیرپاب را روایت کند؟ آیا طرد شدگی‌ها هم مستقیماً ربطی به تجربه زیسته خود شما دارد؟

طرد شدگی از جمع دوستان با اتهامی که توضیح داده نشده، از دغدغه‌ها و تجربه‌های دوران نوجوانی من بود به همین دلیل رابطه خاصی با اثر برقرار کردم. طرد شدگی تمی است عمومی و قدرتمند. بسیاری افراد در برهه‌های از زندگی تجربه‌ی متهم شدن از طرف دیگران بدون توضیح اتهام یا قطع ارتباط ناگهانی با یک دوست یا آشنا را داشته‌اند و تکنیک ایجاد حس همدردی که ما هر روز به کار گرفته شده، از شگردهای اصلی همراه کردن مخاطب با قهرمان این داستان است. یک گره عاطفی عمیق بین مخاطب و شخصیت اصلی.

ترجمه‌ی آقای حقیقت را بسیار سریع‌تر از نشر ققنوس از ارشاد بگیرد و ترجمه‌ی من وقتی اجازه‌ی چاپ گرفت که کار آقای حقیقت به چاپ ششم رسیده بود و ترجمه آقای غریبی هم متأسفانه چند ماه بعد از چاپ ترجمه‌ی من مجوز گرفت. این سه ترجمه تقریباً هم‌زمان اتفاق افتاده بودند اما ارشاد ماجرا را طوری پیش برد که نشر چشمه بازار این اثر را ماماه دست به تنهایی به دست گرفت. البته از این دست داستان‌ها در دنیای نشر بسیار اتفاق افتاده و خواهد افتاد. اما از این مورد که بگذریم به‌طور کلی اعتقاد دارم اگر مترجم در یکه‌ی اعلام کند که در

جهانی که خلق می‌کند، با کاراکترهای اصلی‌اش، با فضاهای عجیب و غریبش و با توصیف‌های غافلگیرکننده‌اش از عادی‌ترین موضوعات من برای من می‌کند. علاوه بر این شاید مهم‌تر برای من مسیری است که قهرمان‌هایش باید برای درک تازهای از خود طوسی کنند و این به نوعی مسیری زندگی خود من و هر انسان کنجکاو است که هنوز درباره‌ی همه چیز سوال‌هایی دارد.

**باتوجه به وجود ترجمه‌های دیگر از این اثر، اساساً وجود چندین ترجمه برای یک اثر را چطور می‌توان توجیه کرد؟**

**طرد شدگی تمی است عمومی و قدرتمند. بسیاری افراد در برهه‌های از زندگی تجربه‌ی متهم شدن از طرف دیگران بدون توضیح اتهام یا قطع ارتباط ناگهانی با یک دوست یا آشنا را داشته‌اند و تکنیک ایجاد حس همدردی که ما هر روز به کار گرفته شده، از شگردهای اصلی همراه کردن مخاطب با قهرمان این داستان است. یک گره عاطفی عمیق بین مخاطب و شخصیت اصلی.**

**استخراج کرد؟**

جهان‌بینی هر هنرمند اعم از نقاش، نویسنده، فیلمساز، آهنگساز و غیره را در تم‌های تکرار شونده‌ی آثار او می‌توان جستجو کرد. تم‌های تکرار شونده از دغدغه‌ها ریشه می‌گیرند. بنابراین فکر می‌کنم به جای این سوال که نویسنده به دنبال طرح چه جهان‌بینی‌ای است بهتر است پرسیم نویسنده به چه تم‌هایی گرایش دارد. به ویژه که طرح جهان‌بینی بیشتر امری از پیش تعیین شده و گهگاه نتیجه‌ی دیدگاهی ایدئولوژیک است در تقابل با گرایش به تم‌هایی مشخص که معمولاً به دنبال کشف آثار او را بیشتر کرد.

سرگرمی به پای تئوری. به خصوص کمیود ادبیات ژانر محور در ایران به شیوه تفکر خودخاص پندار و خاص‌پسند در میان نویسندگان و فیلمسازها دامن می‌زند. در نهایت اقبال مخاطب عام به چنین آثاری در سراسر جهان زیاد نیست. موراگامی اما مخاطب عام پیدا خواهد کرد. موراگامی برای مخاطب خاص نمی‌نویسد. بسیاری از جنبش‌های ادبی دوران مدرن و پست مدرن در پی باز کردن مسیرها و افق‌های نو بودند که همین دلیل لزوماً برای سرگرم کردن نوشته نشدند یا اگر شدند به دلیل تنگ کردن نگاه به سمت موضوع‌های همساز با فرم و تمرکز اصلی، بر پیش بردن مسیرهای تئوریک و تجربه‌ی گرایشی. در جذب مخاطب میلیون‌ها اقبال نیافتند. از همین دست است پاشنه‌ی آشلیلی که به تولیدات ادبی ما ضربه زده است. فدا کردن

آنکه فضای غالب کتاب‌هایش حاکی از نوعی سوررئالیسم دارد، نویسنده‌ی محبوبی است. دلیل این محبوبیت چیست؟ نمونه‌های انسدک در ادبیات ایران و جهان را که کنار بگذاریم، اثری که به دنبال مخاطب خاص باشد به احتمال زیاد مخاطب عام پیدا خواهد کرد. موراگامی برای مخاطب خاص نمی‌نویسد. بسیاری از جنبش‌های ادبی دوران مدرن و پست مدرن در پی باز کردن مسیرها و افق‌های نو بودند که همین دلیل لزوماً برای سرگرم کردن نوشته نشدند یا اگر شدند به دلیل تنگ کردن نگاه به سمت موضوع‌های همساز با فرم و تمرکز اصلی، بر پیش بردن مسیرهای تئوریک و تجربه‌ی گرایشی. در جذب مخاطب میلیون‌ها اقبال نیافتند. از همین دست است پاشنه‌ی آشلیلی که به تولیدات ادبی ما ضربه زده است. فدا کردن

علاوه بر این، موراگامی به سنت ادبیات غرب، پلات‌های خوبی هم برای داستان‌هایش طرح‌ریزی می‌کند و از تکنیک‌های متنوعی مانند روایت موازی، تغییر زاویه دید، قالب‌های فصل و تعلیق به خوبی بهره می‌برد. حالا به تم‌های آشنا و شخصیت و پلات اضافه کنیم اتفاق‌های عجیبی را که در داستان‌ها می‌افتند. استقبال فوق‌العاده از رمان‌های موراگامی بی‌دلیل نیست. سرگرمی و جذابیت روایی در کنار تم‌های عمیق و احساسی. این فرمول طلایی سخت‌پایی است که خواننده‌ی عام و بسیاری از خواننده‌های خاص را نیز خوشحال می‌کند.

**ادبیات سوررئالیست اصولاً برای مخاطب‌ها چندین حرفه‌ای کتاب یا هر قالب هنری‌ای دشوار است ولی موراگامی نویسنده‌ای است که در عین**

حال ترجمه‌ی کاری است، مترجمان دیگر بهتر است سراغ آثار دیگر بروند. این اتفاقی است که برای من هنگام ترجمه رمان ۱۹۸۴ افتاد. وقتی باخبر شدم آقای غریبی در حال ترجمه هستند، کنار کشیدم.

**اخیراً کتاب «سورگور» و از موراگامی ترجمه کرده‌اید. سورگور داستانی است که در ایجاد فرابت در فضاهای عادی زندگی حتی از دیگر آثار موراگامی هم جلوتر است. مخصوصاً که اساساً موضوع داستان او طرد شدن از جانب دیگران است. چقدر موراگامی**

شگفتی‌های کدکنی پاسخ می‌دهد:

**چرا حافظ و شعرش را دوست داریم؟**

خود بدانند و از نظر «پیر خطاپوش» حافظ که بر قلم صنع چنان اعتراض خطرناکی کرده است، شادمان باشند و در زندگی روزانه، مردم مسا دیوانش را در کنار قرآن می‌چند، سرسرفه نقد و هفت‌سین سال نو قرار دهند و با آن فال بگیرند و استخاره کنند. چنین شاعری در جغرافیای کره زمین و در تاریخ بشریت منحصر به فرد است و همانند ندارد. او نوشته است: تا آنجا که به یاد می‌آورد، قبل از خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، متوفی ۷۹۱، ظاهراً هیچ شاعری تخلص حافظ را نداشته است، اما پس از او کسانی به نام «حافظ» شهرت داشته‌اند و شعر هم می‌گفته‌اند،

گروه فرهنگ و هنر - سحرمدحضا شفیعی کدکنی می‌گوید نظیر سعدی و مولوی و فردوسی وجود دارد، اما شش‌په حافظ نه!

محمدرضا شفیعی کدکنی ادیب، شاعر، نویسنده و پژوهشگر در پاسخ به این سوال که چرا حافظ را دوست داریم، می‌گوید: لیلی آن را باید حالت آینه‌گی داشتن برشمرده؛ علت آینه‌گی شعر او در انواع مختلف حالات انسان ایرانی و هر که فارسی بدانند در هر کجای این کره، این است که فرم و پیام را با هم دارد. شعر او تنها مسئله فرم نیست. او فرم و صورت را، در بهترین و عالی‌ترین شکل ممکن عرضه کرد. از آن طرف هم او در روی دیگر سکه ادعیه و آیات عربی بخواند و در عین حال کافران دورهای شعر او را که آینه‌اندیشه‌های



خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی نخست به عنوان خوش‌آواز و موسیقی‌شناس در محیط عصر خود ظاهر شده است و سپس همان‌عنوان و لقب و یا شاعر و پیشه‌آبدیال به «تخلص» خویش کرده است و هیچ بعدی نیست که بعدها این تخلص وارد شعر شده باشد، زیرا مسلم است که خواجه شیراز، روز به روز، در شعرهای خود تصرف کرده است، ولی کوشیده است که آن‌ها را به صورت دلخواه‌تری درآورد و از جمله تخلص حافظ را نیز بر آن بیفزاید. خالق بوی جوی مولیان، شعر حافظ را در تاریخ ادبیات ایران، از سیاسی‌ترین شعرها می‌داند و می‌نویسد: چه طنزی بالاتر از این که کسی با عالی‌ترین اسلوب بیان هنری خویش این چنین تناقضی را تصویر کند فقیه مدرسه دی دست بود و فتوی داد که می‌حرام، ولی

خود بدانند و از نظر «پیر خطاپوش» حافظ که بر قلم صنع چنان اعتراض خطرناکی کرده است، شادمان باشند و در زندگی روزانه، مردم مسا دیوانش را در کنار قرآن می‌چند، سرسرفه نقد و هفت‌سین سال نو قرار دهند و با آن فال بگیرند و استخاره کنند. چنین شاعری در جغرافیای کره زمین و در تاریخ بشریت منحصر به فرد است و همانند ندارد. او نوشته است: تا آنجا که به یاد می‌آورد، قبل از خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، متوفی ۷۹۱، ظاهراً هیچ شاعری تخلص حافظ را نداشته است، اما پس از او کسانی به نام «حافظ» شهرت داشته‌اند و شعر هم می‌گفته‌اند،

گروه فرهنگ و هنر - سحرمدحضا شفیعی کدکنی می‌گوید نظیر سعدی و مولوی و فردوسی وجود دارد، اما شش‌په حافظ نه!

محمدرضا شفیعی کدکنی ادیب، شاعر، نویسنده و پژوهشگر در پاسخ به این سوال که چرا حافظ را دوست داریم، می‌گوید: لیلی آن را باید حالت آینه‌گی داشتن برشمرده؛ علت آینه‌گی شعر او در انواع مختلف حالات انسان ایرانی و هر که فارسی بدانند در هر کجای این کره، این است که فرم و پیام را با هم دارد. شعر او تنها مسئله فرم نیست. او فرم و صورت را، در بهترین و عالی‌ترین شکل ممکن عرضه کرد. از آن طرف هم او در روی دیگر سکه ادعیه و آیات عربی بخواند و در عین حال کافران دورهای شعر او را که آینه‌اندیشه‌های

خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی نخست به عنوان خوش‌آواز و موسیقی‌شناس در محیط عصر خود ظاهر شده است و سپس همان‌عنوان و لقب و یا شاعر و پیشه‌آبدیال به «تخلص» خویش کرده است و هیچ بعدی نیست که بعدها این تخلص وارد شعر شده باشد، زیرا مسلم است که خواجه شیراز، روز به روز، در شعرهای خود تصرف کرده است، ولی کوشیده است که آن‌ها را به صورت دلخواه‌تری درآورد و از جمله تخلص حافظ را نیز بر آن بیفزاید. خالق بوی جوی مولیان، شعر حافظ را در تاریخ ادبیات ایران، از سیاسی‌ترین شعرها می‌داند و می‌نویسد: چه طنزی بالاتر از این که کسی با عالی‌ترین اسلوب بیان هنری خویش این چنین تناقضی را تصویر کند فقیه مدرسه دی دست بود و فتوی داد که می‌حرام، ولی

عناصر مذهب تشکیل می‌دهد، بازگشت به جنبه سیاسی شعر او است.

ضد هم، در ساخت جامعه و نشان دادن این که یکی از سوی این تناقض را عنصری

باز مال اوقاف است؛ کوشش حافظ برای تصویر هنری یک بودن این دو عنصر

## اختتامیه سمپوزیوم مجسمه سازی کیش



۴۴۴۲۴۹۶۹  
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش

روزنامه